



حدیث امام رضا (ع) در فضیلت عید غدیر/ غدیر اشرف و افضل اعیاد است

علامه طهرانی معتقد است: عید غدیر، که اشرف و افضل اعیاد است، به جهت ربط امت با امام، و وحدت دل‌های آنان با ولایت، و ورود در سلک سالکان راه، و روندگان طریق مودت و محبت و ایثار و انفاق، و عقل و شعور، و گسترش نور ربانی، و نفحات قدسیه سبحانی، و ارتباط ملک با ملکوت است.

خبرگزاری مهر- علامه طهرانی معتقد است: عید غدیر، که اشرف و افضل اعیاد است، به جهت ربط امت با امام، و وحدت دل‌های آنان با ولایت، و ورود در سلک سالکان راه، و روندگان طریق مودت و محبت و ایثار و انفاق، و عقل و شعور، و گسترش نور ربانی، و نفحات قدسیه سبحانی، و ارتباط ملک با ملکوت است.

علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی در مجلد نهم از کتاب امام شناسی (که به مباحث: احتجاج‌ها به حدیث غیر و عید غدیر اختصاص دارد) حدیث حضرت امام رضا (ع) در فضیلت عید غدیر را به نقل از مناقب ابن شهر آشوب چنین آورده است:

حدیث حضرت امام رضا (ع) در فضیلت عید غدیر

از حضرت رضا (ع) وارد است که: «حضرت امام رضا (ع) گفتند: پدر من از پدرش روایت کرده است که: روز غدیر در آسمان‌ها مشهورتر است از روی زمین، خداوند تعالی در بهشت فردوس قصری دارد که یک خشت آن نقره، و یک خشت آن از طلاست، و در آن 100 هزار قبه (طاقی که سقف آن به شکل گنبد مستدیر است) و 100 هزار خیمه از یاقوت سبز است، خاک آن مشک و عبیر است، و در آن 4 نهر است: نهری است از خمر (شراب مست‌کننده) و نهری است از آب، و نهری از شیر، و نهری است از عسل.

در اطراف و جوانب آن قصر درختانی است که همه گونه میوه‌ها را دارند، و بر آنها پرندگانی است که بدن‌هایشان از لؤلؤ و بالهایشان از یاقوت است، و به انواع نغمه‌ها و آوازه‌ها نغمه‌سرائی دارند. چون روز غدیر شود اهل آسمان‌ها داخل این قصر می‌شوند، و خداوند را تسبیح و تقدیس می‌نمایند، و تهلل می‌گویند. آنگاه این مرغان به پرواز درمی‌آیند، و خودشان را در آب می‌افکنند و سپس از آب بیرون آمده، و بدن‌های‌تر و تازه‌تر خود را در آن مشک و عبیر می‌مالند. و چون فرشتگان جمع شوند، همه این مرغان به پرواز می‌آیند، و آن مشک و عبیر بدن خود را، بر آنان می‌پاشند، و آن ملائکه در آن روز آنچه بر سر فاطمه (س) نثار شده است، برای همدیگر به رسم هدیه می‌برند.

چون روز غدیر، به پایان می‌رسد، ندائی به آنان می‌رسد: برگردید! و در منازل و مراتب خود مستقر گردید! خداوند به جهت گرمای داشتی که برای محمد و علی نموده است، شما را از هر خطری و از هر لغزشی، تا سال دیگر چنین روزی در مصونیت و امن قرار داده است».

ایشان در ادامه می‌نویسد: در اقبال این خبر به تمامه آورده شده و در تتمه آن چنین آورده است: «و سپس حضرت رضا رو کردند به من و گفتند: ای پسر ابونصر! هر کجا باشی در روز عید غدیر خود را در نزد امیرالمؤمنین (ع) حاضر کن! زیرا خداوند در آن روز گناه 60 ساله هر مرد مؤمن و هر زن مؤمنه و هر مرد مسلم و هر زن مسلم را می‌آمرزد و از آتش آزاد می‌کند در برابر آنچه را که در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر آزاد کرده است. و یک درهم انفاق در آن روز برای برادران عارف خود در مقابل هزار درهم است و در این روز احسان خودت را بر برادرانت زیاد کن و هر مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای را شاد کن.

و سپس فرمود: ای اهل کوفه، به شما خیر کثیری داده شده است و شما از کسانی هستید که خداوند دل‌های آنها را به ایمان آزمایش کرده است و پیوسته در تحت سیطره وق در تذلیل و مقهور و مورد امتحان و بلا بوده‌اید و بلا بر شما از جوانب می‌ریزد و سپس کاشف الكرب العظیم آن بلا را برمی‌دارد. سوگندبه خدا که اگر مردم فضیلت روز غدیر را به حقیقت آن بدانند ملائکه هر روز با آنها ده بار مصافحه می‌کنند».

معنای عید در لغت و در اصطلاح مردم

ایشان با تأکید بر این مطلب که: باری عید غدیر را عید گویند، به جهت آنکه آن خاطرات و مسائل مهمه که در آن روز در خم غدیر به وقوع پیوست، و آن خطبه رسول الله، و گرفتند بازوی علی را بطوری که سپیدی زیر بغل هر دو معلوم شد، و نشان دادن و معرفی نمودن به مردم، و سپس امر به تسلیم به لفظ السلام علیک یا امیرالمؤمنین به پیرو نصب آن حضرت را به خلافت رسول الله، و إعطاء ولایت کلیه الهیه، و نزول آیه اکمال دین و اتمام نعمت، و آیه تبلیغ و انقیاد و تسلیم مخالفان در برابر آن عظمت و ابهت و شکوه واقعی و ظاهری، و سپس مخالفت کردن آنها به مجرد رحلت رسول خدا، و بالأخره آن پیامدهای سریع و غیرها، همگی در روز عید غدیر برمی‌گردد، و خود را نشان می‌دهد، و آن برکات نازله پیوسته بر اهلش فرو می‌آید و می‌ریزد.

در ادامه خاطر نشان می‌کند: کلمه عید از ماده عود است یعنی بازگشتن. در «اقرب الموارد» گوید: عید به موسم و هر روزی که در آن اجتماعی و یا تذکار و یادبودی از صاحب فضیلتی بوده باشد، گفته می‌شود، و بعضی گفته‌اند: برای هر حادثه مهمی. ابن اعرابی گوید: برای آنکه در هر سالی آن واقع و حادثه، با فرح و سرور مجددی عود می‌کند....

حال که معنای عید را در لغت دانستیم، ببینیم در اصطلاح مردم و طوائف و ملل و نحل کلمه عید را به چه معنی استعمال می‌کنند؟ و برای وضوح این مطلب می‌گوییم: در نزد هر طائفه و جماعت، و هر ملت و مذهبی، یک چیز مخصوص دارای اهمیت است که چون سالگرد آن واقعه و حادثه، و یا آن خاطره برسد، به جهت بزرگداشت و تجلیل از روح و معنای آن، آن خاطره را تجدید می‌کنند، و به سرور و فرح در یادبود آن واقعه می‌گذرانند و با آنکه نفس آن حادثه گذشته است، ولی با یادبود و خاطره موجود باقیمانده از آن در ذهن، خود را به روح و جان آن حادثه نزدیک می‌کنند، و نفس و روح خود را از یادبود آن اشراق و متمتع می‌سازند.

دنیایپرستان چون وصول به منافع دنیوی فقط مورد نظر و هدف آنهاست، در وقت بروز و ظهور حادثه دنیوی عید می‌گیرند، پادشاهان پس از لشکرکشی و خون‌ریزی و غلبه بر حریف و سلطه بر اقوام مورد نظر جشن می‌گیرند، و طاق نصرت می‌بندند، و آن خاطره پیروزی را همه ساله اعاده می‌کنند. ایرانیان قدیم نوروز را عید می‌گرفتند، به جهت آنکه سبزه از زمین می‌روید و درخت‌ها سبز می‌شود و فصل خرمی و شادابی زمین است، فصل خزان و زمستان سپری شده، و اینک زمین رو به رشد و نمو است.

این منطق کسانی است که ایدا با معنویات و روحانیات سر و کار ندارند، و ارزش‌های انسانی را فقط در ماده و سبزه می‌جویند، و در حقیقت با عید بهائم که آنها در فصل بهاران شاد و شادابند، و در مرغزارها و مراتع می‌چرند، و در فصل زمستان افسرده و کسل و خزیده هستند، چه تفاوتی دارد؟ آنها بدان صورت، انسان هم بدین صورت. حقیقت و واقعیت یکی است، برای آنها بدان شکل، و برای این انسان دو پا بدین شکل. ولی ادیان الهی برای پیروان خود بر اساس ارزش‌های انسانی، و وصول به اهداف ایمانی و خروج از شرک و آزادی از دست جباران و طاغیان زمان که بشر را استخدام نموده و برای منافع استکباری خود از او متمتع می‌شده‌اند، اعیاد را پایه‌ریزی کرده‌اند.

معنای عید یک درجه از تزکیه و تطهیر بالاتر رفتن است

علامه طهرانی با خاطرنشان کردن این نکته که در دین مقدس اسلام روز فطر و روز قربان و روز جمعه عید است به فلسفه عید بودن این روزها چنین اشاره می‌کند: اما در فطر به جهت آنکه در یکماه تمام مردم دست از زیاده‌روی در شهوات برداشته، روزها روزه، و شب‌ها به قیام مشغول، و با بهره‌هایی بیش از سایر ایام همچون اتفاق در راه خدا، و تلاوت بیشتری از کلام خدا، و چشم‌پوشی از محرمات و مکروهات، نفس اماره خود را تزکیه و تطهیر نموده‌اند، حالت روحانیت و معنویت در ایشان بالا رفته است، و سبکی و تجرد و امکان عروج به عوالم قدس برای آنها امکان بیشتری پیدا کرده است، زیرا طعام و شهوت و غضب کلید جهنم و سلطه شیطان است...

در این موقع که موقع گرفتن نتیجه و مزد است، آن روز را باید عید گرفت، و از خداوند کریم و رحیم عیدی دریافت کرد. اما عید گرفتن نه به معنای ساز و دهل زدن است، و نه به معنای شیرینی خوردن و رنگارنگ پوشیدن، و تفریح و تفرج بهیمنانه کردن، بلکه به معنای یک درجه از تزکیه و تطهیر بالاتر، و یک صیقل بهتر به نفس دادن تا آماده برکات و نزول موآئد آسمانی گردد.

و اما در قربان، به جهت آنکه مردم به عشق لقاء و دیدار وجه الله، دست از خانه و لانه و وطن و کسب و کار و شهرت و جاه و جمیع علائق شسته، و به سوی بیت الله الحرام من کل فج عمیق روان شده، و طواف و سعی و وقوف در عرفات را که خارج از حرم است، بجای آورده سپس داخل در حرم و مشعر آمده و شب را به اذن دخولی که از حضرت او دریافت کرده است، در مزدلفه آرمیده، و سپس به منی آمده، و شیطان را هفت‌بار سنگ زده، و قربانی کرده، و سر تراشیده، و در این مدت پای و سر برهنه به دنبال حبیب در جستجو و در تکاپو بوده است.

اینک جای آن دارد که موقع خروج از احرام است، به شکرانه قبولی اعمال و پذیرش این اعمال سخت، و در عین حال شیرین و لذت‌بخش عید بگیرد، و الحمد لله بگوید، و به مراسم عید که آنهم باز ذکر خدا و تطهیر بیشتری است، مهیا گردد، نماز عید بخواند، و زبان به تقدیس و تمجید الهی بگشاید...

ایشان می‌افزاید: روز جمعه عید است، چون روز اجتماع مردم به نماز جمعه و شنیدن خطبه‌ها و تطهیر است و به همین جهت اسلام نام آن را جمعه گذارد، یعنی روز اجتماع و به هم پیوستگی امت مسلمان، و در قبل از اسلام آن را یوم العروبة می‌گفتند. اسلام نماز جمعه را واجب کرد، به وجوب عینی تعیینی در هر زمان تا روز قیامت و تارک آنرا لعنت فرستاد. و لیکن شرط صحت آن با جماعت و در تحت نظر و امامت امام عادل و یا منصوب از ناحیه اوست. در زمان حضور امام، خودش اقامه می‌کند، و در زمان غیبت بر فقیه

عادل جامع الشرائط که به ادله نیابت عامه، متکفل وظائف امام است واجب است اقامه کند.

نماز جمعه واجب است به وجوب مطلق، نه به وجوب مشروط، مانند حج نسبت به استطاعت، بلکه مانند نماز ظهر است نسبت به طهارت و غسل و وضوء. و بنابراین امام و حاکم شرع، شرط انعقاد و صحت و شرط واجب است نه شرط وجوب. فلذا اگر امام در غیبت بود و فقیه جامع الشرائط قدرت بر حکومت نداشت، و در تقیه بسر می‌برد، بواسطه ترک نماز جمعه، همه مردم گنهکارند به جهت ترک نماز عینی تعیینی که حائز اهمیت سرشاری است و بر همه آنها واجب است قیام کنند و تشکیل حکومت اسلامی دهند، تا آن امام غائب ظهور کند، و یا فقیه مقبوض الید، مبسوط الید گردد، و بتواند اجراء حدود کند، و منع از ثغور اسلام بنماید.

و از جمله وظائف حاکم، تشکیل نمازهای جمعه در قلمرو حکومت اوست. افرادی که در زمان حکومت جائزه نماز جمعه نمی‌خوانند، معذب می‌شوند که: چرا تشکیل حکومت اسلامی نداده‌اید؟! که بتوانید نماز جمعه بخوانید، گر چه با نداشتن حاکمی چنین، نماز از آنها صحیح نیست و مردود است. و به همین جهت که روز جمعه، روز عید و اجتماع است، و مردم پاک و پاکیزه می‌شوند، و از خطاها و گناهان یک هفته گذشته بیرون می‌آیند.

عید غدیر افضل اعیاد است

علامه طهرانی (ره) در خصوص عید غدیر چنین بیان می‌کند: اما عید غدیر، که اشرف و افضل اعیاد است، به جهت ربط امت با امام، و وحدت دل‌های آنان با ولایت، و ورود در سلک سالکان راه، و روندگان طریق مودت و محبت و ایثار و انفاق، و عقل و شعور، و گسترش نور ربانی، و نفعات قدسیه سبحانی، و ارتباط ملک با ملکوت است.

عید غدیر، روز عبودیت و تسلیم در برابر حق، و خروج از فرعونیت نفس اماره، و انداختن ریسمان ذل رقیبت حضرت سبحان است، و اقرار و اعتراف به یگانه خاصه از خواص درگاه با عظمت او، و قدم در صراط مستقیم ایقان نهادن، و گام استوار و راستین در ترک تجاملات نمودن، و بدون شائبه و تعارف به حق و حقیقت و واقعیت در آمدن، و از زمره بهائم خارج شدن، و به صف انسان پیوستن است.

عید غدیر، ندای حضرت قدوس و سبوح را: به حصر ولایت در قرآن کریم به ایها الرسول بلغ پاسخ صحیح دادن، و گفتار حضرت پیامبر اعظمش را به: من کنت مولاه فعلی مولاه با جان و دل پذیرفتن، و در تحت دعای اللهم وال من والاه قرار گرفتن، و از نفرین خانمان سوز و عاد من عاداه بیرون شدن، و استقبال از و انصر من نصره، و استدبار از و اخذل من خذله نمودن است.

عید غدیر، تماشای جمال ملکوتی مولی الموالی امیرالمؤمنین (ع) را بر روی دو دست پیغمبر معظم، در فراز منبر برآمده بر پالانهای اشتران، در زیر درختان سمرات وادی جحفه در غدیر خم، و نمایش دادن ولایت را به کافه مردم، و نزول ملکوت و جبروت در این عالم ملک است که: هان ای دشمنان علی و ای مخالفان اهل بیت که پیوسته رسول خدا را با شکایت‌هایی که از علی می‌کردید، آزار و اذیت می‌رسانیدید، اینک بدانید که: علی سزاوار شکایت نیست، و در خور اذیت و آزار نیست. او والی ولایت، و یگانه شاهباز بلند پرواز سدره‌نشین کاخ عرفان است. او از خود شما به جان‌های شما نزدیکتر است، و ولایتش بیشتر است. او تکوینا و تشریعا سید و سالار و سرور و سپهسالار شماست!...